



د افغانستان اسلامي جمهوریت

د عدلیې وزارت

رسمي جریده

قانون طرز تحصیل حقوق

تاریخ نشر: (۱۰) میزان سال ۱۳۹۹ هـ. ش

نمبر مسلسل: (۱۳۸۶)

فرمان رئیس جمهوری اسلامی افغانستان

در مورد

توشیح قانون طرز تحصیل حقوق

شماره: (۴۶)

تاریخ: ۱۳۹۹/۵/۷

ماده اول:

به تاسی از حکم جزء ۱۶ ماده شصت و چهارم قانون اساسی، قانون طرز تحصیل حقوق را که به اساس مصوبه شماره (۳۶) مؤرخ ۱۳۹۸/۸/۲۲ ولسی جرگه و مصوبه شماره (۲۱) مؤرخ ۱۳۹۸/۹/۲۴ مشرانو جرگه شورای ملی به داخل (۷) فصل و (۶۸) ماده تصویب گردیده است، توشیح می دارم.

ماده دوم:

این فرمان از تاریخ توشیح نافذ و همراه با مصوبات مجلسین شورای ملی و متن قانون متذکره، در جریده رسمی نشر گردد.

محمد اشرف غنی

رئیس جمهوری اسلامی افغانستان

دولت جمهوری اسلامی افغانستان

شورای ملی

ولسی جرگه

دوره هفدهم تقنینی

سال اول مجلس عمومی

مصوبه

قانون طرز تحصیل حقوق

شماره: (۳۶)

تاریخ: ۱۳۹۸/۸/۲۲

به تاسی از حکم ماده (۹۰) قانون اساسی افغانستان، ولسی جرگه قانون طرز تحصیل حقوق را که به اساس فرمان تقنینی شماره (۳۱۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۶/۱۴ رئیس جمهوری اسلامی افغانستان به حیث فرمان تقنینی توشیح گردیده بود، در جلسه روز چهارشنبه مؤرخ ۱۳۹۸/۸/۲۲ خویش با یک سلسله تعدیلات به داخل (۷) فصل و (۶۸) ماده، با اکثریت آرای اعضای حاضر در مجلس تصویب نمود.

الحاج میر رحمان رحمانی

رئیس ولسی جرگه شورای ملی

دولت جمهوری اسلامی افغانستان

شورای ملی

مشرانو جرگه

دوره هفدهم تقنینی

سال اول

اجلاس دوم

مصوبه قانون طرز تحصیل حقوق

شماره: (۲۱)

تاریخ: ۱۳۹۸/۹/۲۴

به تاسی از حکم ماده نودم قانون اساسی افغانستان، مشرانو جرگه، قانون طرز تحصیل حقوق را که به اساس فرمان شماره (۳۱۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۶/۱۴ رئیس جمهوری اسلامی افغانستان به حیث فرمان تقنینی توشیح گردیده بود، در جلسه عمومی روز یکشنبه مؤرخ ۲۴/ قوس / ۱۳۹۸ خویش، با یک سلسله تعدیلات به داخل (۷) فصل (۶۸) ماده به اکثریت اعضای حاضر در مجلس تصویب نمود.

فضل هادی مسلمیار

رئیس مشرانو جرگه شورای ملی

فهرست مندرجات

قانون طرز تحصیل حقوق

فصل اول

احکام عمومی

صفحه	عنوان	ماده
۱.....	مبنی.....	ماده اول:
۱.....	اهداف.....	ماده دوم:
۱.....	اصطلاحات.....	ماده سوم:
۲.....	مرجع تطبیق.....	ماده چهارم:
۲.....	همکاری.....	ماده پنجم:
۳.....	مدیون بودن شخص.....	ماده ششم:
۳.....	صلاحیت رسیدگی به عرایض حقوقی.....	ماده هفتم:
۳.....	ارائه عرایض.....	ماده هشتم:
۳.....	وظایف ادارات حقوق.....	ماده نهم:

فصل دوم

چگونگی تقدیم عرایض حقوقی و رسیدگی آن

۴.....	رسیدگی به مطالبات حقوقی.....	ماده دهم:
۴.....	محتویات عریضه حقوقی.....	ماده یازدهم:
۵.....	حق الثبت عریضه حقوقی.....	ماده دوازدهم:
۵.....	مرجع تقدیم عریضه حقوقی.....	ماده سیزدهم:
۶.....	جلب معروض علیه.....	ماده چهاردهم:

- ماده پانزدهم: تفهیم عرض عارض..... ۶.....
- ماده شانزدهم: همکاری عارض..... ۶.....
- ماده هفدهم: اخذ ضمانت از معروض علیه..... ۷.....
- ماده هجدهم: مکلفیت پولیس..... ۷.....
- ماده نوزدهم: مکلفیت ضامن (کفیل) و معروض علیه..... ۷.....
- ماده بیستم: داین و مدیون مسافر و کوچی..... ۷.....
- ماده بیست و یکم: مطالبه فسخ نامزدی یا نفقه یا تفریق..... ۸.....
- ماده بیست و دوم: دعوت به مصالحه..... ۸.....
- ماده بیست و سوم: نمایندگی به حیث عارض و معروض..... ۸.....
- ماده بیست و چهارم: محل سکونت..... ۹.....

فصل سوم

اجراءت اداره حقوق در برابر مطالبات حقوقی

- ماده بیست و پنجم: مطالبه دین..... ۹.....
- ماده بیست و ششم: اخذ استحضاری..... ۱۰.....
- ماده بیست و هفتم: تحصیل حقوق به اساس اسناد..... ۱۰.....
- ماده بیست و هشتم: تحصیل دین..... ۱۰.....
- ماده بیست و نهم: محصول حقوق..... ۱۱.....
- ماده سی ام: تحصیل دین به اقساط..... ۱۲.....
- ماده سی و یکم: تحصیل دین از حق الاجرت یا حساب بانکی..... ۱۲.....
- ماده سی و دوم: تحصیل دین به اساس نیابت..... ۱۳.....
- ماده سی و سوم: مکلفیت ادارات حقوق در حالت نیابت..... ۱۳.....

فصل چهارم

تخلیه و تسلیمی ملکیت

- ماده سی و چهارم: تخلیه ملکیت مالک..... ۱۳
- ماده سی و پنجم: ابلاغ تخلیه..... ۱۳
- ماده سی و ششم: تخلیه محل تجارتي..... ۱۴
- ماده سی و هفتم: تخلیه محل غير تجارتي..... ۱۴
- ماده سی و هشتم: اجاره گیرنده غایب..... ۱۴
- ماده سی و نهم: اجراءات در مورد اموال شخص غایب..... ۱۴
- ماده چهلم: تعیین قيم..... ۱۵

فصل پنجم

تطبيق حکم قطعی و نهائی محکمه و تنفيذ اجباری

- ماده چهل و یکم: تطبيق حکم قطعی و نهائی محکمه و تنفيذ اجباری..... ۱۵
- ماده چهل و دوم: ایجاد کمیسیون تحصیل قرضه های صعب الحصول..... ۱۶
- ماده چهل و سوم: ایفای دین از طریق تنفيذ اجباری..... ۱۷
- ماده چهل و چهارم: احتیاج اولیه مدیون..... ۱۷
- ماده چهل و پنجم: هیئت تطبيق حکم قطعی و نهائی محکمه..... ۱۷
- ماده چهل و ششم: وظایف هیئت تطبيق حکم قطعی و نهائی محکمه..... ۱۸
- ماده چهل و هفتم: تخلف هیئت تطبيق..... ۱۸
- ماده چهل و هشتم: شرایط داوطلبی..... ۱۸
- ماده چهل و نهم: تعیین قیمت سرپناه (مسکن)..... ۱۹
- ماده پنجاهم: حجر اموال غير منقول مدیون..... ۱۹

- ماده پنجاه و یکم: حق تساوی داینین در برابر دارایی مدیون..... ۲۰
- ماده پنجاه و دوم: ارائه معلومات از دارایی..... ۲۰
- ماده پنجاه و سوم: مدیون مفلس..... ۲۰
- ماده پنجاه و چهارم: اتخاذ تدابیر احتیاطی..... ۲۰
- ماده پنجاه و پنجم: ذوالیدی و تغیر آن..... ۲۱
- ماده پنجاه و ششم: انتقال پول از حساب بانکی دیگر..... ۲۱
- ماده پنجاه و هفتم: تعقیب عدلی متمرّد..... ۲۲

فصل ششم

شرایط استخدام کارکنان ادارات حقوق و امتیازات آنها

- ماده پنجاه و هشتم: شرایط استخدام..... ۲۲
- ماده پنجاه و نهم: تدویر برنامه های ستاژ حقوقی..... ۲۳
- ماده شصتم: سند فراغت ستاژ..... ۲۳
- ماده شصت و یکم: حقوق و امتیازات استثنایی..... ۲۳

فصل هفتم

احکام نهایی

- ماده شصت و دوم: ایجاد کمیته هماهنگی میان ادارات..... ۲۳
- ماده شصت و سوم: ابلاغ تطبیق حکم قطعی و نهایی محکمه به شخص ثالث..... ۲۴
- ماده شصت و چهارم: ارائه گزارش و نشر آن..... ۲۴
- ماده شصت و پنجم: تهیه دفاتر..... ۲۴
- ماده شصت و ششم: طرز العمل ها..... ۲۵
- ماده شصت و هفتم: مهر و نشریه اداره حقوق..... ۲۵

ACKU

قانون طرز تحصیل حقوق

فصل اول

احکام عمومی

مبنی

ماده اول:

این قانون به تاسی از حکم ماده سی و دوم و رعایت حکم جزء ۱ ماده هفتاد و پنجم قانون اساسی افغانستان، وضع گردیده است.

اهداف

ماده دوم:

اهداف این قانون عبارت اند از:

- ۱- تنظیم امور مربوط به بررسی ابتدائی اسناد قضایای حقوقی قبل از ارائه به محاکم.
- ۲- فراهم نمودن زمینه مصالحه بین طرفین قضیه قبل از رسیدگی قضایی.
- ۳- تسریع تحصیل حقوق مدنی و تجارتي اشخاص حقیقی و حکمی.
- ۴- تأمین همکاری میان اداره حقوق و سایر ادارات ذیربط حین تطبیق حکم قطعی و نهائی محاکم در قضایای حقوقی.
- ۵- جلوگیری از تراکم قضایای حقوقی در محاکم.

اصطلاحات

ماده سوم:

اصطلاحات آتی در این قانون مفاهیم ذیل را افاده می نماید:

- ۱- قضایای حقوقی: شامل دعاوی مدنی، احوال شخصیه یا تجارتي است که از طرف عارض ضمن عریضه مطبوع مطابق احکام قانون به اداره حقوق ارائه می گردد.
- ۲- دین: وجبیه یا تعهدی است که بر اساس آن شخص مکلف به پرداخت و اجرای آن می باشد.

- ۳- داین: شخصی است که حق یا تعهد به حق، بر نفع وی بر ذمه مدیون ثابت گردد.
- ۴- مدیون: شخصی است که حق یا تعهد به حق، بر ذمه وی ثابت گردد.
- ۵- داوطلبی: روش فروش اموال منقول یا غیر منقول مدیون است به تجویز محکمه ذیصلاح، مطابق احکام قانون.
- ۶- حجر: منع کردن مدیون از فروش، اجاره، رهن، به امانت (ودیعه) گذاشتن، هبه، وصیت و یا وقف اموال منقول و غیر منقول وی است.
- ۷- محصول حقوق: مبلغی است که از حقوق مدنی یا تجارتي تحصیل شده از مدیون مطابق احکام این قانون اخذ می گردد.
- ۸- ضامن (کفیل): شخصی است که احضار یا ادای دین مدیون را در اداره حقوق یا پیشگاه محکمه تعهد نموده باشد.
- ۹- عذر مؤجه: وفات یکی از اقارب نسبی یا سببی تا درجه سوم، وقوع حوادث طبیعی غیر مترقبه یا مصاب شدن به مریضی است که مانع حضور شخص گردد.
- ۱۰- متمرّد: شخصی است که از حکم قطعی یا نهائی محکمه و یا احکام این قانون امتناع ورزد.
- ۱۱- اهل خبره: اشخاص مسلکی اند که در رشته های خاص دارای تخصص، معلومات یا تجربه کافی باشند.
- ۱۲- شخصیت حکمی: در این قانون شرکت ها و مؤسسات غیر دولتی می باشد.

مرجع تطبیق

ماده چهارم:

- (۱) وزارت عدلیه مرجع تطبیق احکام این قانون می باشد.
- (۲) به منظور تحقق اهداف مندرج این قانون، ادارات حقوق که جزء تشکیل وزارت عدلیه بوده در مرکز و ولایات فعالیت نموده و در اجراءات خویش احکام این قانون و سایر قوانین را تطبیق می نماید.

همکاری

ماده پنجم:

ادارات دولتی، اشخاص حکمی، اهل خبره و سایر اشخاص حقیقی مکلف اند، در تطبیق احکام این قانون با ادارات حقوق وزارت عدلیه همکاری نمایند.

مدیون بودن شخص

ماده ششم:

مدیون بودن شخص موجب سلب یا محدود شدن آزادی وی نمی گردد، مگر اینکه مطابق احکام این قانون متمرّد شناخته شود.

صلاحیت رسیدگی به عرایض حقوقی

ماده هفتم:

- (۱) رسیدگی عرایض حقوقی از صلاحیت ادارات حقوق وزارت عدلیه می باشد.
- (۲) ادارات حقوق وزارت عدلیه نمی توانند، در قضایای که یک طرف آن اداره دولتی باشد، عرایض حقوقی را اخذ یا در آن مداخله نمایند.
- (۳) هر گاه اداره حقوق وزارت عدلیه تشخیص نماید که موضوع عریضه مربوط حقوق عامه می باشد، مکلف است موضوع را به اداره ذیربط قضایای دولت ارسال نماید.

ارائه عرایض

ماده هشتم:

- (۱) شخص حقیقی یا حکمی می تواند، عرایض حقوقی خود را به ادارات حقوق وزارت عدلیه یا مستقیماً به محکمه ارائه نمایند.
- (۲) ادارات دولتی به استثنای محاکم مکلف اند، عرایض حقوقی را که غرض رسیدگی به آنها ارائه می گردد، به اداره حقوق وزارت عدلیه احاله نمایند.

وظایف ادارات حقوق

ماده نهم:

- (۱) ادارات حقوق دارای وظایف ذیل می باشد:
 - ۱- ثبت عرایض حقوقی.
 - ۲- دادن رسید به عارض (نمبر ثبت عریضه).
 - ۳- مطالبه اسناد مورد ضرورت.

۴- جلب معروض علیه.

۵- اخذ ضمانت از معروض علیه مطابق طرز العمل مربوط.

۶- اجراءات در مورد عرایض واصله حقوقی طبق طرز العمل مربوط.

۷- حل و فصل قضایای حقوقی از طریق مصالحه.

۸- تحصیل حقوق مدنی و تجارتي اشخاص حقیقی و حکمی.

۹- اخذ محصول حقوق و ثبت آویز آن.

۱۰- ارسال عرایض حقوقی با سوابق جمع آوری شده به محاکم ذیصلاح مطابق حکم فقره (۳) ماده بیست و دوم این قانون.

۱۱- تنفیذ قرارها و تطبیق حکم قطعی و نهایی محاکم.

۱۲- ارائه گزارش اجراءات به مقام وزارت عدلیه و ولایت مربوط.

(۲) وزارت عدلیه مکلف است، گزارش اجراءات ادارات حقوق را به شورای ملی و شورای عالی حاکمیت قانون و مبارزه علیه فساد اداری ارائه نماید.

فصل دوم

چگونگی تقدیم عرایض حقوقی و رسیدگی آن

رسیدگی به مطالبات حقوقی

ماده دهم:

رسیدگی مطالبات حقوقی اشخاص حقیقی یا حکمی بعد از دریافت عریضه مطبوع صورت می گیرد.

محتویات عریضه حقوقی

ماده یازدهم:

(۱) عریضه حقوقی حاوی معلومات ذیل می باشد:

۱- نام، نام پدر، نام خانوادگی، سن، نمبر تذکره، کاپی تذکره، شغل، شماره تماس و محل اقامت عارض.

۲- نام، نام پدر، نام خانوادگی، شماره تماس، محل اقامت و شغل معروض علیه.

۳- موضوع عرض، قیمت، اندازه، نوعیت، حدود و موقعیت آن.

۴- ذکر اسناد و دلایلی که به موجب آن عارض خود را مستحق می داند.

۵- امضاء یا نشان انگشت عارض.

(۲) عارض مکلف است در صورت موجودیت اصل سند، کاپی آن را ضمیمه عریضه ارائه نماید.

(۳) هر گاه عارض، وکیل، ولی، وصی یا قیم شخص حقیقی یا نماینده قانونی شخص حکمی باشد، مکلف است نقل سند و وکالت، ولایت، وصایت، قیمومیت و صلاحیت نامه را ضمیمه عریضه، به اداره حقوق ارائه نماید.

(۴) عارض نمی تواند در یک عریضه موارد مختلف مطالبات را درج نماید، مگر اینکه موضوعات با هم مرتبط باشند.

حق الثبت عریضه حقوقی

ماده دوازدهم:

(۱) شخص مندرج ماده یازدهم این قانون مکلف است در موضوعات مربوط به قضایای دیون یا املاکی مبلغ (۵۰۰) پنجصد افغانی و در قضیه تجارتي مبلغ (۱۰۰۰) یکهزار افغانی را به عنوان حق الثبت به اداره حقوق بپردازد.

(۲) متعلم، محصل، محجوز و محبوس عارض موضوعات مربوط به قضایای احوال شخصیه از حکم مندرج فقره (۱) این ماده مستثنی می باشد.

(۳) تقدیم عریضه جدید در عین موضوع که قبلا عارض حق الثبت آن را به اداره حقوق تأدیه نموده باشد، تابع حق الثبت جدید نمی باشد.

مرجع تقدیم عریضه حقوقی

ماده سیزدهم:

(۱) عریضه حقوقی به اداره حقوق یا محکمه محل سکونت معروض علیه ارائه می گردد.

(۲) هرگاه ادعا مربوط به ترکه و تقسیم اموال غیر منقول باشد، عریضه به اداره حقوق یا محکمه محلی ارائه می گردد که ملکیت غیر منقول در آنجا موقعیت دارد.

(۳) هر گاه عریضه راجع به فسخ نامزدی، تفریق یا نفقه باشد، به اداره حقوق یا محکمه محل سکونت زن ارائه می گردد.

(۴) هرگاه معروض علیه کارکن یا منسوب اداره دولتی و یا شخص حکمی باشد، عریضه به اداره حقوق یا محکمه محلی که اداره در آن موقعیت دارد، ارائه می گردد.

(۵) هر گاه معروض علیه مقیم خارج کشور باشد، عریضه به اداره حقوق یا محکمه محل سکونت عارض ارائه می گردد.

(۶) هر گاه عارض در خلال مدت یکماه عریضه خود را در اداره حقوق تعقیب ننماید، عریضه وی حفظ می گردد، در صورتی که موضوع را دوباره تعقیب نماید، می تواند مجدداً عریضه خویش را به اداره حقوق مطابق احکام این قانون ارائه نماید.

جلب معروض علیه

ماده چهاردهم:

(۱) معروض علیه از طریق اداره پولیس محل سکونت وی جلب می گردد.

(۲) کارکن اداره دولتی و شخص حکمی از طریق اداره مربوط و در صورت عدم همکاری اداره، از طریق اداره پولیس محل سکونت وی جلب می گردد.

(۳) معروض علیه مقیم خارج کشور، به پیشنهاد اداره حقوق و تأیید وزیر عدلیه از طریق وزارت امور خارجه جلب می گردد.

تفہیم عرض عارض

ماده پانزدهم:

(۱) اداره حقوق مکلف است، بعد از جلب و احضار معروض علیه، مطالبه عارض را طور کتبی به او تفہیم و از وی ضمانت اخذ نماید.

(۲) معروض علیه یا نماینده قانونی وی مکلف است در خلال مدت (۳) روز کاری در مورد مطالبه عارض معلومات و دلایل خود را ارائه نماید، این مدت در صورت موجودیت عذر مؤجه برای مدت (۳) روز کاری دیگر تمدید شده می تواند.

همکاری عارض

ماده شانزدهم:

عارض و ضامن معروض علیه مکلف اند، حین جلب و احضار معروض علیه با اداره حقوق همکاری نماید.

اخذ ضمانت از معروض علیه

ماده هفدهم:

- (۱) اداره حقوق می تواند از معروض علیه ضمانت احضار اخذ نماید و معروض علیه مکلف به دادن ضمانت می باشد. در صورت عدم ارائه ضمانت غرض اخذ آن و جلوگیری از فرار، معروض علیه به اداره پولیس معرفی می گردد.
- (۲) اداره پولیس مکلف است، از معروض علیه ضمانت احضار اخذ و کتباً به اداره حقوق مربوط ارسال نماید.
- (۳) هر گاه معروض علیه حاضر به دادن ضمانت نباشد، منحنیث شخص متمرّد با وی معامله می شود.

مکلفیت پولیس

ماده هجدهم:

- (۱) احضار معروض علیه و اخذ ضمانت احضار از وی، تحصیل حقوق و تطبیق حکم محکمه تحت نظر اداره حقوق توسط پولیس صورت می گیرد.
- (۲) هرگاه تطبیق حکم قطعی و نهایی محکمه ایجاب تنفیذ اجباری را نماید، اداره پولیس مکلف به اتخاذ تدابیر امنیتی خاص و تأمین امنیت هیئت مؤظف می باشد.
- (۳) وزارت امور داخله مکلف است به منظور تطبیق حکم قطعی و نهایی محکمه، قطعاً خاص پولیس را در مرکز و ولایات ایجاد و در ادارات حقوق وزارت عدلیه توظیف نماید.

مکلفیت ضامن (کفیل) و معروض علیه

ماده نوزدهم:

- (۱) شخصی که منحنیث ضامن (کفیل) به احضار معروض علیه به اداره حقوق ضمانت داده باشد، در صورت مطالبه در مدت سه روز مکلف به احضار وی می باشد.
- (۲) هرگاه معروض علیه کارکن دولت یا شخصیت حکمی باشد، اداره مربوطه مکلف است در میعاد معینه معروض علیه را به اساس تقاضای کتبی اداره حقوق به آن اداره اعزام نماید.

داین و مدیون مسافر و کوچی

ماده بیستم:

هرگاه داین و مدیون، مسافر یا کوچی باشند، داین عریضه خود را به نزدیکترین اداره حقوق یا محکمه محل

سکونت موقت آنها ارائه می نماید، در این صورت معروض علیه مکلف است به اداره حقوق ضمانت کتبی بدهد.

مطالبه فسخ نامزدی یا نفقه یا تفریق

ماده بیست و یکم:

- (۱) هرگاه اداره حقوق، عریضه زن را مبنی بر فسخ نامزدی یا مطالبه نفقه یا تفریق دریافت نماید، مکلف است، از موضوع رسماً به اداره حقوق محل سکونت معروض علیه در خلال مدت (۷) روز کاری اطلاع دهد.
- (۲) اداره حقوق محل سکونت معروض علیه مکلف است، مطابق احکام قانون از نتایج اجراءات خویش به اداره حقوق محل سکونت عارض اطلاع دهد.
- (۳) هرگاه معروض علیه به مندرجات عریضه عارض قناعت نداشته باشد، اوراق به محکمه محل سکونت زن ارسال می گردد.

دعوت به مصالحه

ماده بیست و دوم:

- (۱) اداره حقوق حین مراجعه عارض و معروض علیه و قبل از ارجاع قضیه به محکمه، قضیه را بررسی نموده، در صورت عدم قناعت، طرفین را به مصالحه دعوت می نماید.
- (۲) هرگاه قضیه با رعایت احکام سایر قوانین از طریق مصالحه حل و فصل شود، طرفین ورق اصلاحی را امضاء یا نشان انگشت گذاشته و بعد از تأیید عضو مسلکی اداره حقوق و ملاحظه شد مسؤول دفتر مربوط ثبت می گردد. در این صورت مدیون مکلف است دو فیصد محصول حقوق را طبق احکام این قانون تحویل بانک نماید.
- (۳) هرگاه قضیه از طریق مصالحه یا میانجیگری حل و فصل شده نتواند، عریضه با اسناد منضمه آن به محکمه ذیصلاح احاله می گردد.

نماینده به حیث عارض و معروض

ماده بیست و سوم:

هرگاه اهالی قریه به صورت مشترک در قضایای مربوط چراگاه، راه عام، مسیل و امثال آن ذینفع باشند، حضور بعضی از آنها به حیث عارض یا معروض علیه منحصراً نماینده در اداره حقوق کافی می باشد.

محل سکونت

ماده بیست و چهارم:

(۱) محل سکونت شخص حقیقی مطابق احکام این قانون عبارت است از:

۱- محلی که شخص در آنجا بیش از یک سال سکونت داشته باشد.

۲- محلی که شخص در آنجا وظیفه رسمی دائمی داشته باشد.

۳- محلی که شخص آنجا را مرکز فعالیت تجاری یا اجرای پیشه معین قرار داده باشد.

(۲) محل سکونت زوجه محل سکونت زوج می باشد، مگر در دعاوی فسخ نامزدی، مطالبه نفقه و تفریق، محل سکونت زوجه، محل سکونت ولی، وصی یا نماینده قانونی وی می باشد.

(۳) محل سکونت شخص غایب، مفقود، فاقد یا ناقص اهلیت قانونی، حسب احوال محل سکونت ولی، وصی یا قیم وی می باشد.

(۴) محل سکونت شخص حکمی محلی است که دفتر مرکزی آن در آن محل واقع است، در صورتی که دفتر مرکزی شخص حکمی در خارج از کشور و نمایندگی آن مقیم افغانستان باشد، محلی که نمایندگی آن در آن موقعیت داشته باشد، محل سکونت آن محسوب می گردد.

(۵) هرگاه دفتر فرع شخص حکمی در ولایت دیگری باشد، محلی که دفتر فرع شخص حکمی در آن واقع است، محل سکونت آن محسوب می گردد.

فصل سوم

اجراءات اداره حقوق در برابر مطالبات حقوقی

مطالبه دین

ماده بیست و پنجم:

(۱) داین می تواند هر وقت دین خود را از مدیون مطالبه نماید، دین مؤجل از این حکم مستثنی است.

(۲) مدیون مکلف است دین ثابت ذمت خود را در صورت مطالبه، به داین تأدیه نماید، مگر این که در مورد تأدیه طور دیگری موافقه صورت گرفته باشد.

(۳) هرگاه ضامن ادای دین را طور کتبی به عوض مدیون تعهد نموده باشد، مکلف به پرداخت دین ثابت داین می باشد.

اخذ استحضاری

ماده بیست و ششم:

(۱) اداره حقوق، حکم قطعی و نهائی محکمه ذیصلاح را مبنی به تحصیل دین به اطلاع داین و مدیون رسانیده و از آنها استحضاری اخذ می نماید.

(۲) هرگاه محکوم له شخص حکمی یا اداره دولتی باشد نماینده با صلاحیت آن رسماً از طریق اداره حقوق مطالبه می گردد. در این صورت اداره دولتی و شخص حکمی مکلف است، نماینده خود را در ظرف (۲) روز کاری به اداره حقوق معرفی نماید در صورت عدم معرفی نماینده، مسؤولیت بعدی به عهده اداره مربوط می باشد.

تحصیل حقوق به اساس اسناد

ماده بیست و هفتم:

اداره حقوق بر اساس اسناد ذیل به تحصیل حقوق اقدام می نماید:

- ۱- اسناد رسمی که توسط ادارات دولتی طبق احکام قانون ترتیب، ثبت و صادر شده و عاری از تزویر باشد.
- ۲- اسناد عرفی در صورتی که معروض علیه به آن قناعت داشته باشد.
- ۳- وثایق که توسط محاکم ذیصلاح ترتیب و صادر گردیده باشد و دارای ثبت محفوظ قضاء و عاری از جعل و تزویر باشد.
- ۴- احکام قطعی و نهایی محاکم.
- ۵- احکام قطعی و نهایی که توسط محکمه کشور خارجی صادر و از طرف وزارت امور خارجه افغانستان تصدیق شده باشد.
- ۶- سایر اسناد که مطابق احکام قانون قابل اعتبار شناخته شده باشد.

تحصیل دین

ماده بیست و هشتم:

(۱) هرگاه مدیون توان پرداخت دین ثابت داین را نداشته باشد، اداره حقوق می تواند بعد از موافقه کتبی داین و مدیون برای پرداخت آن مهلت تعیین نماید.

(۲) هرگاه پرداخت دین به اقساط صورت گیرد، از قسط اول دو فیصد محصول حقوق از مدیون اخذ می گردد.

(۳) هرگاه مدیون اقساط باقی مانده را بدون مداخله اداره حقوق در وقت و زمان معیین آن تأدیه نماید از وی محصول حقوق اخذ نمی گردد.

(۴) هرگاه مدیون به عوض طلب داین ملکیت خود را به بیع قطعی به وی انتقال کند، از وی دو فیصد محصول حقوق اخذ می گردد.

(۵) هرگاه ملکیت مدیون در بدل دین به طور رهن در اختیار داین قرار داده شود، محصول حقوق اخذ نمی شود.

(۶) هرگاه اداره حقوق بعد از تحصیل دین از مدیون محصول حقوق اخذ نموده باشد، حین ترتیب رسید خط در محکمه، از مدیون محصول اخذ نمی گردد.

(۷) هرگاه تحصیل (محکوم بها) بعد از حکم قطعی و نهایی محکمه صورت گیرد، تابع پرداخت محصول حقوق در اداره حقوق نمی گردد.

(۸) اداره حقوق از تحصیل اموال منقولی که قیمت آن در عریضه تعیین نشده باشد، بعد از تعیین قیمت توسط اهل خبره، محصول آنرا اخذ می نماید.

(۹) مطالبه نفقه، پوشاک، مهر و سایر موضوعات مربوط به قضایای ناشی از ازدواج از طرف زن، فسخ نامزادی و مطالبه حق الارث در ادارات حقوق، تابع پرداخت محصول حقوق نمی باشد.

محصول حقوق

ماده بیست و نهم:

- (۱) مدیون مکلف است، بعد از تحصیل دین، محصول حقوق را پرداخت نماید.
- (۲) محصول مندرج فقره (۱) این ماده معادل دو فیصد دین تحصیل شده می باشد.
- (۳) اداره حقوق مکلف به تحصیل محصول سایر ادارات دولتی نبوده، در صورتی که محصول سایر ادارات دولت قابل تحصیل بوده و بر ذمه شخص باقی مانده باشد، اداره حقوق این محصول را تحصیل و از طریق وزارت عدلیه به حساب واحد دولتی تحویل بانک می نماید.
- (۴) مؤلف اداره حقوق محصول حقوق مندرج فقره (۲) این ماده را مستقیماً از مدیون اخذ کرده نمی تواند.
- (۵) مدیون مکلف است، محصول حقوق را ذریعه تعرفه اداره حقوق به حساب واردات دولت تحویل بانک نموده و آویز آنرا غرض ثبت به اداره حقوق مربوط ارائه نماید.

(۶) در محلاتی که بانک موجود نباشد، موظف اداره حقوق می تواند، محصول حقوق را مستقیماً از مدیون اخذ و درج تعرفه نموده و در خلال پانزده روز تحویل بانک نماید و آویز آنرا در دفتر مربوط ثبت کند در غیر آن علاوه بر تحویلی مبلغ مذکور در برابر هر روز تأخیر مکلف به پرداخت جریمه معادل پنج فیصد آن می باشد.

(۷) هرگاه مدیون توان پرداخت محصول حقوق را به صورت یکبارگی نداشته باشد، وزیر عدلیه در مرکز و والی در ولایت مربوطه می تواند با نظر داشت استطاعت مدیون، پرداخت محصول حقوق را الی مدت یک سال طور ماهوار قسط نماید.

(۸) مدیون مکلف است، اقساط مندرج فقره (۷) این ماده را در خلال مدت معینه تأدیه نماید، در غیر آن در برابر هر روز تأخیر مکلف به پرداخت جریمه نقدی معادل یک فیصد آن می باشد.

تحصیل دین به اقساط

ماده سی ام:

(۱) هرگاه مدیون توان پرداخت دین ثابت را به داین نداشته باشد، در صورت عدم موافقه داین و مدیون اداره حقوق می تواند، پیشنهاد پرداخت دین را به اقساط ترتیب و به محکمه ذیصلاح ارائه نماید.

(۲) تعیین اقساط به تجویز محکمه ذیصلاح با در نظر داشت توان مالی مدیون برای مدت یک سال طور ماهوار صورت می گیرد.

تحصیل دین از حق الاجرات یا حساب بانکی

ماده سی و یکم:

(۱) هرگاه مدیون، دارایی منقول یا غیر منقول جهت ادای دین نداشته ولی شاغل در برابر اجرت باشد، دین به همکاری اداره مربوط با رعایت احتیاجات اولیه مدیون از وجه حق الاجرت مدیون تحصیل و به داین پرداخته می شود.

(۲) هرگاه مدیون، دین داین را تأدیه ننماید، اداره حقوق به تثبیت دارایی وی اقدام می کند. در صورتی که مدیون دارای حساب بانکی باشد یا اموال منقول باشد، اداره حقوق حساب وی را پس از استیذان محکمه ذیصلاح مسدود و با رعایت احتیاجات اولیه مدیون به تحصیل حق داین، اقدام می نماید.

(۳) هرگاه حکم قطعی و نهایی محکمه در مورد پرداخت حق محکوم له صادر شده باشد و محکوم علیه حاضر به پرداخت حق محکوم له نباشد. اداره حقوق به تثبیت دارایی وی اقدام می کند. در صورتی که مدیون دارای حساب بانکی باشد، اداره حقوق حساب وی را مسدود و با رعایت احتیاجات اولیه محکوم له اقدام می نماید.

تحصیل دین به اساس نیابت

ماده سی و دوم:

هرگاه داین، اسناد تحصیل دین ثابت بر ذمه مدیون را در دست داشته باشد و بنا بر عذر مؤجه به محل سکونت مدیون که در ولایت دیگر سکونت دارد، مراجعه نموده نتواند، تحصیل دین به اساس نیابت صورت می گیرد.

مکلفیت ادارات حقوق در حالت نیابت

ماده سی و سوم:

(۱) اداره حقوق محل سکونت داین در حالت مندرج ماده سی و دوم این قانون، مکلف است کاپی اسناد داین را بعد از مهر و نشانی طور رسمی به اداره حقوق محل سکونت مدیون ارسال نماید.

(۲) اداره حقوق محل سکونت مدیون مکلف است، بعد از مواصلت اسناد مندرج فقره (۱) این ماده در صورتی که مدیون سند مبطل ادعای داین را نداشته باشد، دین مندرج سند داین را تحصیل و از طریق بانک به اداره حقوق محل سکونت داین ارسال نماید.

(۳) اداره حقوق محل سکونت داین مکلف است، وجه تحصیل شده را به داین تسلیم نموده، رسید کتبی اخذ و سند آن را طور رسمی به اداره حقوق محل سکونت مدیون ارسال نماید.

(۴) مصارف اجراءت مندرج این ماده، بر ذمه داین می باشد.

فصل چهارم

تخلیه و تسلیمی ملکیت

تخلیه ملکیت مالک

ماده سی و چهارم:

تخلیه ملکیت مالک از تصرف شخص دیگر به اساس سند قانونی که مبطل آن موجود نباشد، به تقاضای مالک یا نماینده قانونی وی به تجویز محکمه ذیصلاح توسط هیئت مندرج ماده چهل و پنجم این قانون صورت می گیرد.

ابلاغ تخلیه

ماده سی و پنجم:

اداره حقوق، موضوع تخلیه ملکیت غیر منقول را به متصرف ابلاغ می نماید، در این صورت متصرف مکلف است،

ملکیت غیر منقول را در خلال مدت پانزده روز بعد از تاریخ ابلاغ تخلیه نماید، این مدت به موافقه مالک تمدید شده می تواند.

تخلیه محل تجارتي

ماده سی و ششم:

موضوع و محل تجارتي بعد از ختم میعاد قرارداد اجاره، در صورتی که مالک خود به آن ضرورت داشته باشد و اجاره گیرنده آنرا تخلیه نه نماید بعد از تجویز محکمه ذیصلاح جبراً تخلیه می گردد.

تخلیه محل غیر تجارتي

ماده سی و هفتم:

(۱) اجاره گیرنده نمی تواند بعد از ختم قرارداد محل غیر تجارتي که به مدت معین آنرا به اجاره گرفته است، در صورت تقاضای مالک مبنی بر تخلیه آن، در تصرف خود نگهدارد.

(۲) وزیر عدلیه در مرکز و والی در ولایت مربوط می توانند در صورت ضرورت اجاره گیرنده به سر پناه حسب احوال الی مدت سه ماه، مهلت بدهد. این مهلت بدون موافقه کتبی مالک تمدید شده نمی تواند.

اجاره گیرنده غایب

ماده سی و هشتم:

(۱) هرگاه اجاره گیرنده، بیش از مدت سه ماه غایب گردد و در نتیجه غیابت وی اجاره و عایدات مالک معطل شود، اداره حقوق به اساس تقاضای مالک موضوع را از طریق یکی از رسانه های همگانی کنیترالانتشار جهت آگاهی و حضور شخص غایب به مصرف مالک اعلان می نماید.

(۲) هرگاه شخص غایب در خلال حد اکثر مدت سه ماه بعد از تاریخ اعلان حاضر نگردد، اداره حقوق تخلیه و تسلیمی ملکیت را به محکمه ذیصلاح پیشنهاد می نماید، در این صورت محکمه در خلال مدت ده روز بعد از ارائه پیشنهاد، تصمیم مبنی بر تخلیه غیابی ملکیت را اتخاذ می نماید.

اجراءات در مورد اموال شخص غایب

ماده سی و نهم:

(۱) هرگاه شخص غایب، قایم مقام نداشته باشد، اموالی که از ملکیت تخلیه شده بدست آمده، توسط هیئت مؤظف مندرج ماده چهل و پنجم این قانون در چهار نقل فهرست و تشریح گردیده، یک یک نقل آن در محکمه ذیصلاح صدور حکم،

شاروالی، اداره حقوق مربوط و پولیس محل حفظ می گردد.

(۲) هرگاه اموال مندرج فقره (۱) این ماده مستلزم تشریح مزید فنی باشد، از نظر اهل خبره استفاده می گردد، در صورتی که این نوع اجراءات ایجاب مصارف را نماید، مالک مکلف به پرداخت آن می باشد.

(۳) اموالی که از ملکیت تخلیه شده بدست آمده الی حضور شخص غایب یا قایم مقام قانونی وی طبق تجویز محکمه به مالک اصلی ملکیت تخلیه شده رسماً تسلیم یا در محل مصون که محکمه تشخیص نماید، نگهداری می شود.

(۴) هرگاه ملکیت مندرج فقره (۳) این ماده تحت تضمین بانک قرار داشته باشد، اموالی که از آن بدست آمده به بانک تسلیم داده می شود، هیئت مندرج ماده چهل و پنجم این قانون بعد از استیذان محکمه ذیصلاح از طریق داوطلبی آنرا به فروش رسانیده و وجه ناشی از فروش آن به نام و مصرف اجاره گیرنده غایب به حساب امانت تحویل بانک می نماید.

(۵) هرگاه شخص غایب با قایم مقام قانونی وی الی مدت یکسال حاضر نگردد یا اموال به دست آمده از ملکیت تخلیه شده، سریع الفساد باشد و یا خاصیت خود را از دست بدهد، اموال مذکور توسط هیئت مندرج ماده چهل و پنجم این قانون به تجویز محکمه ذیصلاح، بفروش رسیده و پول آن طور ودیعه به نام و مصرف اجاره گیرنده، تحویل بانک می گردد.

تعیین قیمت

ماده چهل و یکم:

(۱) هرگاه محکمه در رابطه به تسلیمی محکوم بها به محکوم له حکم صادر نموده ولی محکوم له یا نماینده قانونی وی به منظور تسلیمی محکوم بها حاضر نگردد، در اینصورت اداره حقوق، تعیین قیمت را به محکمه ذیصلاح پیشنهاد می نماید.

(۲) محکوم بها مندرج فقره (۱) این ماده از طرف هیئت مندرج ماده چهل و پنجم این قانون به شخصی که از طرف محکمه به حیث قیمت تعیین می گردد، تسلیم داده می شود.

فصل پنجم

تطبیق حکم قطعی و نهایی محکمه و تنفیذ اجباری

تطبیق حکم قطعی و نهایی محکمه و تنفیذ اجباری

ماده چهل و یکم:

(۱) محکوم علیه بعد از اصدار حکم قطعی و نهایی محکمه، مکلف به رعایت مندرجات نص حکم، در خلال مدت پانزده روز می باشد.

(۲) هرگاه محکوم علیه از رعایت حکم قطعی و نهائی محکمه در خلال مدت مندرج فقره (۱) این ماده بدون عذر مؤجه امتناع ورزد، اداره حقوق مطابق احکام این قانون در خلال مدت بیست روز به تنفیذ اجباری آن توسط هیئت مندرج ماده چهل و پنجم این قانون اقدام می نماید.

(۳) هرگاه حین تطبیق حکم قطعی و نهائی محکمه اشکال بروز نماید، اداره حقوق موضوع را جهت رفع اشکال به محکمه ذیصلاح محول می نماید.

(۴) هرگاه شخص محکوم له غایب باشد، اداره حقوق مکلف است، قرار ذیل حکم قطعی و نهایی محکمه را تطبیق نماید:

۱- در صورتیکه محکوم بها اموال غیر منقول باشد، مطابق حکم ماده چهارم این قانون اجراءات صورت می گیرد.

۲- در صورتی که محکوم بها وجوه نقدی باشد، به حساب امانت به مصرف محکوم له تحویل بانک می گردد.

ایجاد کمیسیون تحصیل قرضه های صعب الحصول

ماده چهل و دوم:

(۱) به منظور تحصیل قرضه های صعب الحصول کمیسیونی، تحت ریاست وزیر عدلیه به ترکیب ذیل ایجاد می گردد:

۱- نماینده با صلاحیت ستره محکمه به حیث عضو.

۲- نماینده با صلاحیت اداره لوی څارنوالی به حیث عضو.

۳- نماینده با صلاحیت وزارت امور داخله به حیث عضو.

۴- نماینده با صلاحیت ریاست عمومی امنیت ملی به حیث عضو.

۵- نماینده با صلاحیت ریاست امور حقوقی، تقنینی و قضایی ریاست عمومی اداره امور جمهوری اسلامی افغانستان به حیث عضو.

۶- نماینده با صلاحیت انجمن مستقل وکلای مدافع به حیث عضو.

۷- نماینده با صلاحیت وزارت مالیه به حیث عضو.

۸- نماینده با صلاحیت د افغانستان بانک به حیث عضو.

۹- رئیس عمومی اداره حقوق به حیث منشی.

(۲) طرز فعالیت و تدویر جلسات کمیسیون مندرج فقره (۱) این ماده در طرز العمل جداگانه که از طرف آن کمیسیون تصویب می شود، تنظیم می گردد.

ایفای دین از طریق تنفیذ اجباری

ماده چهارم و سوم:

(۱) هرگاه دین ثابت ذمت مدیون مطابق احکام این قانون تحصیل شده نتواند، تحصیل دین از طریق تنفیذ اجباری صورت می گیرد.

(۲) تنفیذ اجباری روی اموالی صورت می گیرد که شامل احتیاج اولیه مدیون نباشد. این تنفیذ به اساس پیشنهاد اداره حقوق و استیذان محکمه ذیصلاح صورت می گیرد.

(۳) اموال مندرج فقره (۲) این ماده متناسب به دین داین توسط هیئت مندرج ماده چهارم و پنجم این قانون در حضور مدیون یا نماینده قانونی وی از طریق داوطلبی به فروش رسیده، از وجه بدست آمده، دین مدیون اداء می شود.

(۴) هرگاه مدیون یا نماینده قانونی وی از حضور در مجلس داوطلبی امتناع ورزد، هیئت مندرج ماده چهارم و پنجم این قانون در مورد فروش اموال اقدام نموده و موضوع را درج محضر می نماید.

احتیاج اولیه مدیون

ماده چهارم و چهارم:

(۱) احتیاج اولیه مدیون شامل مسکن و وسایلی می باشد که در صورت فقدان آن مدیون نتواند به صورت عادی زندگی کند.

(۲) فهرست وسایل مندرج فقره (۱) این ماده توسط هیئت مندرج فقره (۱) این ماده توسط هیئت مندرج ماده چهارم و پنجم این قانون تثبیت گردیده و در مرکز به تأیید وزیر عدلیه و در ولایت به تأیید والی رسانیده می شود.

هیئت تطبیق حکم قطعی و نهایی محکمه

ماده چهارم و پنجم:

(۱) هیئت تطبیق حکم قطعی و نهایی محکمه مرکب از نمایندگان با صلاحیت خارنوالی، پولیس، اداره محلی و شاروالی تحت ریاست اداره حقوق می باشد. در صورت ضرورت به تشخیص اداره حقوق، اهل خبره و سایر ادارات دولتی نیز دعوت شده می توانند.

(۲) هرگاه تطبیق حکم قطعی و نهایی محکمه در مورد قضایای املاکی باشد، نماینده با صلاحیت ادارات اراضی و املاک نیز در ترکیب هیئت مندرج فقره (۱) این ماده دعوت می گردد.

(۳) ادارات مندرج فقره (۱) این ماده مکلف اند، عندالمطالبه اداره حقوق، نمایندگان خود را معرفی و در مدت دو روز اعزام نمایند.

وظایف هیئت تطبیق حکم قطعی و نهائی محکمه

ماده چهل و ششم:

(۱) هیئت تطبیق حکم قطعی و نهائی محکمه دارای وظایف و صلاحیت های ذیل می باشد:

۱- تطبیق حکم قطعی و نهایی محکمه.

۲- ابلاغ حکم محکمه به محکوم علیه به صورت کتبی مبنی بر تخلیه و تسلیمی محکوم بها.

۳- معرفی محکوم علیه متمرّد به خائنوالی ذیصلاح و تخلیه و تسلیمی در غیاب وی.

۴- تهیه فهرست اموال بدست آمده و اجراات در مورد آن مطابق حکم مندرج ماده سی و نهم این قانون.

(۲) هرگاه محکوم علیه حین تطبیق حکم قطعی و نهائی محکمه حاضر نگردد، حکم محکمه در غیاب وی تطبیق و مسدود یا قفل بودن محکوم بها به هر نحوی که باشد، مانع تطبیق حکم نمی شود.

تخلف هیئت تطبیق

ماده چهل و هفتم:

در صورت تخلف از مکلفیت وظیفوی توسط عضو هیئت مندرج ماده چهل و پنجم این قانون، موضوع از طرف اداره حقوق، به اداره مربوط وی رسماً اطلاع داده می شود.

شرایط داوطلبی

ماده چهل و هشتم:

(۱) هیئت مندرج ماده چهل و پنجم این قانون بعد از تعیین قیمت تخمینی اموال توسط اهل خبره، اعلان داوطلبی را در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار به نشر می رسانند.

(۲) مدتی که برای مراجعه داوطلبان تعیین می گردد از (۷) روز کمتر نمی باشد.

(۳) هیئت مندرج ماده چهل و پنجم این قانون در صورت مراجعه اشخاص بعد از انقضای میعاد مندرج فقره (۲) این ماده، دو فیصد قیمت تخمینی اموال را طور تضمین از آنها اخذ، مجلس را اعلام می دارد.

(۴) مجلس داوطلبی زمانی برگزار می گردد که حد اقل دو نفر داوطلب در آن حضور داشته باشد.

(۵) داین و مدیون می توانند در داوطلبی اشتراک نمایند، مدیون دارای حق اولیت می باشد.

(۶) هرگاه هیچ یک از اشخاص مندرج فقره (۳) این ماده برنده مجلس داوطلبی نگردد، تضمین اخذ شده به آنها، مسترد می گردد.

(۷) هرگاه برنده اول در داوطلبی از خرید اموال انصراف نماید حق خرید به داوطلب دوم انتقال می گردد. در صورت انصراف داوطلب برنده، پول تضمین به حساب واحد دولتی تحویل بانک می گردد.

(۸) هرگاه داوطلب دوم نیز حاضر به خریداری نباشد مجلس داوطلبی دوباره دایر می گردد.

تعیین قیمت سرپناه (مسکن)

ماده چهل و نهم:

(۱) قیمت سرپناه (مسکن) در داخل محدوده ماستر پلان شهری به اساس جدول قیمت گذاری مطابق احکام قانون، توسط شاروالی و خارج از محدوده ماستر پلان شهری به اساس نرخ روز و قیمت سر پناه مشابه تعیین می گردد.

(۲) هرگاه قیمت سر پناه مندرج فقره (۱) این ماده از اندازه تعیین شده دین بیشتر باشد، فروش آن به تجویز محکمه در صورتی مجاز است که مبلغ اضافه از دین داین، یک سرپناه عادی را برای مدیون تأمین کرده بتواند.

حجر اموال غیر منقول مدیون

ماده پنجاهم:

(۱) هرگاه فروش اموال منقول مدیون، ادای دین را کفایت نکند، اداره حقوق می تواند به اثر مطالبه داین، جدول اموال غیر منقول وی را غرض حجر به محکمه ذیصلاح تقدیم نماید.

(۲) هرگاه مدیون، از فروش اموال غیر منقول مندرج فقره (۱) این ماده امتناع ورزد یا غایب گردد، موضوع غرض فروش از طریق تنفیذ اجباری توسط اداره حقوق به محکمه ذیصلاح پیشنهاد می گردد. در این صورت محکمه وکیل مسخر را تعیین نموده تا عوض مدیون متمرّد یا غایب به فروش جایداد غیر منقول وی در وثیقه عندالمحکمه اقرار نماید. این اقرار در حکم اقرار مدیون می باشد.

(۳) هرگاه برای انتقال ملکیت اموال منقول مدیون به وثیقه رسمی و اقرار عندالمحکمه ضرورت باشد، در مورد مطابق حکم فقره (۲) این ماده اجراء صورت می گیرد.

حق تساوی داینین در برابر دارایی مدیون

ماده پنجاه و یکم:

- (۱) تمام داینین نسبت به دارایی مدیون دارای حقوق مساوی می باشند، به جزء داینی که مطابق احکام قانون حق تقدم داشته باشد.
- (۲) هرگاه داینین از لحاظ حق تقدم در موقف مساوی قرار داشته باشند، تحصیل حقوق آنها همزمان صورت می گیرد.
- (۳) هرگاه دارایی مدیون حقوق ثابت داینین را کفایت نکند، دارایی وی با رعایت احکام این قانون تناسب دین در بین آنها تقسیم می گردد.
- (۴) اجراءات مندرج این ماده به اساس پیشنهاد اداره حقوق و تجویز محکمه ذیصلاح صورت می گیرد.

ارائه معلومات از دارایی

ماده پنجاه و دوم:

- (۱) مدیون مکلف است از دارایی منقول و غیر منقول و عواید خود به اداره حقوق معلومات مکمل ارائه نماید.
- (۲) اداره حقوق می تواند به تجویز محکمه ذیصلاح از ادارات دولتی و غیر دولتی ذیربط راجع به دارایی مدیون معلومات مطالبه نماید، در این صورت ادارات مذکور مکلف به ارائه معلومات در مورد می باشند.
- (۳) هرگاه داین در مورد دارایی مدیون معلومات مؤثق داشته باشد، مکلف است از موضوع طور کتبی به اداره حقوق اطلاع دهد.

مدیون مفلس

ماده پنجاه و سوم:

- (۱) مفلس بودن مدیون به اساس درخواست وی از طرف محکمه ذیصلاح طبق احکام قانون تثبیت می گردد.
- (۲) هرگاه مدیون از طرف محکمه مفلس شناخته شده باشد، اداره حقوق بعد از دریافت افلاس خط، تحصیل دین را الی رفع افلاس متوقف می سازد.

اتخاذ تدابیر احتیاطی

ماده پنجاه و چهارم:

- (۱) هرگاه حکم محکمه قطعی و نهایی باشد، اداره حقوق می تواند علاوه بر تدابیر مندرج این قانون، به اقدامات ذیل

متوصل شود:

- ۱- جلوگیری از انتقال یا فروش دارایی های مدیون قبل از تنفیذ اجباری.
 - ۲- مسدود نمودن حسابات بانکی و مالی مدیون.
 - ۳- تحت حجر قرار دادن دارایی های مدیون.
 - ۴- مطالبه اموال و طلبات ملکیت مدیون که در اختیار اشخاص ثالث باشد.
 - ۵- مطالبه رفع اقدامات مندرج این فقره.
- (۲) هرگاه حکم محکمه قطعی و نهایی نباشد، اداره حقوق مکلف است، غرض توصل به اقدامات مندرج فقره (۱) این ماده در خلال مدت (۱۰) روز کاری استیذان محکمه ذیصلاح را اخذ نماید.

ذوالیدی و تغیر آن

ماده پنجاه و پنجم:

- (۱) هرگاه حین بررسی قضیه املاکی معلوم گردد که در مدعی بها عمرانات یا تخریب صورت می گیرد، اداره حقوق غرض جلوگیری از تغیر شکل مدعی بها و مشکلات آینده موضوع را به اداره پولیس و شاروالی مربوط خبر می دهد.
- (۲) حکم قطعی و نهایی محکمه ذیصلاح بالای متصرف قابل تطبیق بوده، تغیر ذوالیدی در جریان دعوی اثر قانونی ندارد.

انتقال پول از حساب بانکی دیگر

ماده پنجاه و هشتم:

- (۱) هرگاه در حساب بانکی مدیون که در قرار تنفیذی ذکر گردیده است، پول موجود نبوده و مدیون در همان بانک یا بانک های دیگری حساب بانکی داشته باشد، به اندازه پول مندرج در قرار تنفیذی، به حساب معرفی شده انتقال و به داین تأدیه می شود.
- (۲) هرگاه در حساب بانکی مدیون دارایی وجود نداشته باشد، بانک مکلف است در خلال مدت سه روز بعد از ابلاغ قرار تنفیذی، از عدم موجودیت دارایی و سوابق معاملات انجام شده مدیون، به اداره حقوق رسماً معلومات دهد.

تعقیب عدلی متمرّد

ماده پنجاه و هفتم:

شخصی که حین تعلیل حکم قطعی و نهائی محکمه در مقابل هیئت مؤظف مقاومت نموده و نگذارد حکم محکمه در مورد محکوم بها، تطبیق گردد، متمرّد شناخته شده، غرض تعقیب عدلی به مرجع ذیصلاح معرفی و حکم قطعی و نهائی محکمه توسط هیئت مندرج ماده چهل و پنجم این قانون جبراً تنفیذ می گردد.

فصل ششم

شرایط استخدام کارکنان ادارات حقوق و امتیازات آنها

شرایط استخدام

ماده پنجاه و هشتم:

(۱) شخصی به حیث رئیس در اداره حقوق مقرر می گردد که علاوه بر شرایط مندرج قانون کارکنان خدمات ملکی واجد شرایط ذیل نیز باشد:

۱- داشتن حد اقل سند ماستری در رشته های حقوق یا شرعیات و یا بالا تر از آن.

۲- داشتن حد اقل چهار سال تجربه کاری در مراجع عدلی و قضائی.

۳- توانائی رهبری و مدیریت بخش های مربوط.

۴- عدم حرمان از حقوق مدنی و محکومیت به جرایم فساد اداری، جنحه یا جنایت.

۵- عدم عضویت در حزب سیاسی.

۶- سایر شرایط که غرض احراز بست تعیین می گردد.

(۲) شخصی که به حیث آمر در اداره حقوق مقرر شده می تواند که علاوه بر شرایط مندرج قانون کارکنان خدمات ملکی و داشتن حد اقل سند لیسانس از پوهنخی های حقوق یا شرعیات، حد اقل دارای سه سال تجربه کاری در مراجع عدلی و قضائی و واجد سایر شرایط مندرج اجزای ۳، ۴، ۵ و ۶ فقره (۱) این ماده باشد.

(۳) شخصی به حیث عضو مسلکی در اداره حقوق مقرر شده می تواند که علاوه بر شرایط مندرج قانون کارکنان خدمات ملکی و داشتن حد اقل سند تحصیلی لیسانس از پوهنخی های حقوق یا شرعیات، واجد شرایط اجزای ۳، ۴، ۵ و ۶ فقره (۱) این ماده نیز باشد.

تدویر برنامه های ستاژ حقوقی

ماده پنجاه و نهم:

وزارت عدلیه مکلف است، به منظور بلند بردن سطح دانش مسلکی روساء، آمرین و اعضای مسلکی ادارات حقوق برنامه های ستاژ حقوقی داخل خدمت را مطابق طرز العمل مربوط تدویر نماید.

سند فراغت ستاژ

ماده شصتم:

به اشخاص واجد شرایط مندرج فقره (۳) ماده پنجاه و هشتم این قانون که دارای سند فراغت از ستاژ حقوقی باشند، حین استخدام در بست های اداره حقوق اولویت داده می شود.

حقوق و امتیازات استثنایی

ماده شصت و یکم

- (۱) رؤسای عدلیه و حقوق، آمرین و اعضای مسلکی ادارات حقوق علاوه بر معاش ماهوار، مستحق امتیاز مادی اضافی می باشند که اندازه آن به پیشنهاد وزیر عدلیه موافقه وزارت مالیه و منظوری رئیس جمهور تعیین می گردد.
- (۲) کارکنان اداری ادارات حقوق تابع احکام قانون کارکنان خدمات ملکی می باشند.

فصل هفتم

احکام نهائی

ایجاد کمیته هماهنگی میان ادارات

ماده شصت و دوم:

- (۱) به منظور هماهنگی میان ادارات در تطبیق احکام این قانون، کمیته تحت ریاست وزیر عدلیه به ترکیب ذیل ایجاد می گردد:

۱- آمر عمومی اداری قوه قضائیه، به حیث عضو.

۲- معاون لوی خرنوالی، به حیث عضو.

۳- معین امنیتی وزارت امور داخله، به حیث عضو.

۴- معاون ریاست عمومی امنیت ملی، به حیث عضو.

۵- رئیس اداره امور حقوقی، تقنینی و قضائی ریاست عمومی اداره امور جمهوری اسلامی افغانستان، به حیث عضو.

۶- رئیس انجمن مستقل وکلای مدافع، به حیث عضو.

(۲) طرز فعالیت و تدویر جلسات کمیته مندرج فقره (۱) این ماده در طرز العمل جداگانه که از طرف آن کمیته تصویب می شود، تنظیم می گردد.

ابلاغ تطبیق حکم قطعی و نهایی محکمه به شخص ثالث

ماده شصت و سوم:

(۱) اداره حقوق مکلف است، حکم قطعی و نهایی محکمه علیه شخص ثالث را به وی ابلاغ و مقدار مدعی بها را که مدیون مکلف به تأدیه آن می باشد، به اطلاع وی برساند.

(۲) شخص ثالث در صورتی که اسناد مثبت لازم به دست داشته باشد، می تواند به محکمه ذیصلاح در مورد شکایت نماید.

ارائه گزارش و نشر آن

ماده شصت و چهارم:

(۱) ادارات حقوق ولایات مکلف اند، گزارش اجراءات خود را طور ربعوار و سالانه به ریاست عمومی حقوق، ارسال نمایند.

(۲) ادارات مندرج فقره (۱) این ماده مکلف اند، محضر تطبیق حکم قطعی و نهایی محکمه را به مراجع ذیربط اخبار و در وبسایت وزارت عدلیه نشر نمایند.

(۳) ادارات مندرج فقره (۱) این ماده مکلف اند، گزارش اجراءات خویش را غرض معلومات مردم در ماهنامه آگاهی حقوقی نشر نمایند.

تهیه دفاتر

ماده شصت و پنجم:

وزارت عدلیه به منظور ثبت عرایض، اخذ ضمانت، مصالحه، محصول حقوق و تطبیق حکم محکمه ذیصلاح، برای ادارات حقوق دفاتر متحد الشكل را تهیه و ترتیب می نماید.

طرز العمل ها

ماده شصت و ششم:

وزارت عدليه مي تواند به منظور بررسي عرايض حقوقی، اخذ ضمانت، مصالحه در قضايای حقوقی، تحصيل حق الثبت عرايض و اخذ محصول حقوق و ساير امور مربوط به تطبيق حکم محاکم طرز العمل های جداگانه را وضع نمايد.

مهر و نشریه اداره حقوق

ماده شصت و هفتم:

(۱) ادارات حقوق دارای مهر مخصوص می باشند.

(۲) اداره حقوق، دارای نشریه می باشد.

انفاذ

ماده شصت و هشتم:

این قانون از تاریخ توشیح نافذ و در جریده رسمی نشر می گردد و قانون طرز تحصيل حقوق منتشره جریده رسمی شماره (۱۳۰۹) مؤرخ ۱۳۹۷/۶/۳۱ هـ. ش و تعديل ماده شصتم آن منتشره جریده رسمی شماره (۱۳۳۹) مؤرخ ۱۳۹۸/۱/۳ هـ. ش لغو می گردد.